



University of Science and Quranic Knowledge
Shahrood Faculty of Quranic Sciences

Comparative Narrative Exegesis of Sūrat al-‘Aṣr [Qur’an 103] from the Perspective of Sunni and Shi‘i Qur’anic Exegetes

Fateme Pourmuhammadi¹ 

1. Level 4 Seminary Student in Comparative Exegesis, Raff‘ah al-Muṣṭafa Seminary, Tehran, Iran.

fpoormohammadi@yahoo.com

Detailed Abstract

Research Objective: This study aims to conduct a comparative analysis of the exegetical narrations from both Sunni and Shi‘i traditions concerning Sūrat al-‘Aṣr [Qur’an 103]. As one of the shortest chapters in the Qur’an, this surah conveys profound and significant themes related to the necessity of faith, righteous action, exhortation to truth, and perseverance. The primary objective is to identify the points of convergence and divergence between the two schools of thought in interpreting this Surah—particularly with respect to the context of revelation (shān al-nuzūl), variant readings, and the interpretation of key terms and concepts. Additionally, this study seeks to present the more substantiated exegetical perspective based on rigorous analysis of relevant narrations, thereby clarifying the role of transmitted reports in understanding the divine intent behind the verses of the Surah.

Research Methodology: This research employs a descriptive-comparative approach, incorporating data collection from narrative sources, and analysis of both the chains of transmission (isnād) and content (matn) of the narrations. It assesses available contextual evidence to determine their reliability. The study compares various narrative-based Qur’anic exegeses on Sūrat al-‘Aṣr from authoritative Shi‘i and Sunni sources. Narrations attributed to the Prophet Muhammad (peace be upon him and his family), the Ahl al-Bayt (peace be upon them), the Companions, and the Followers (Tābi‘ūn) are examined with regard to their authenticity and interpretive implications. Both classical and contemporary sources are used to identify and analyze the key similarities and differences in the interpretive approaches of the two traditions.

Findings: The findings show that while both Shi‘i and Sunni exegetes agree on the importance of faith, righteous deeds, enjoining the truth, and perseverance in the interpretation of this Surah, there are significant differences in their identification of the referents and meanings of these concepts. Shi‘i Qur’anic exegeses often associ-

Received: 2024/10/09 ; Received in revised form: 2025/01/14 ; Accepted: 2025/02/05 ; Published online: 2025/03/15

◆ How to cite: Pourmuhammadi, Fateme (1403SH): "Comparative Narrative Exegesis of Sūrat al-‘Aṣr [Qur’an 103] from the Perspective of Sunni and Shi‘i Qur’anic Exegetes", *Journals Comparative Interpretation Studies*, 9(18), P310-339, [10.22034/cs.2025.482659.1477](https://doi.org/10.22034/cs.2025.482659.1477)

©2025/ Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by: Department of Qur’anic Exegesis and Sciences



ate Sūrat al-‘Aṣr with the time of the reappearance of Imam al-Mahdī (may Allah hasten his reappearance) and emphasize the divine guardianship of Imam ‘Alī ibn Abī Tālib (peace be upon him). In contrast, Sunni Qur’anic exegeses typically regard the Surah as a general admonition to believers, with figures such as Abū Jahl and Abū Lahab being cited as examples of those in loss. Regarding the term ‘Aṣr, Shi‘i exegeses interpret it as a reference to the era of the Mahdī’s reappearance or a special period in Islamic history. Sunni exegeses, however, interpret it as time in general, the passage of ages, or specifically the time of the afternoon prayer. In interpreting the verse “Indeed, man is in loss”, Shi‘i Qur’anic exegetes attribute this “loss” primarily to the enemies of the Ahl al-Bayt, while Sunni Qur’anic exegetes interpret it more generally, applying it to all humanity except those who believe and do righteous deeds.

Conclusion: This research concludes that although there are areas of agreement between Sunni and Shi‘i Qur’anic exegeses of Sūrat al-‘Aṣr [Qur’an 103], substantial differences exist, rooted in the theological and jurisprudential orientations of the two traditions. These differences are evident not only in lexical and conceptual interpretation but also in identifying the practical referents of the terms. Ultimately, the study emphasizes that a deeper understanding of the Qur’anic message necessitates engagement with a range of narrations and interpretive perspectives, which collectively contribute to a more comprehensive apprehension of the divine intent.

Keywords: Narration, Sunni and Shi‘a, Shi‘a, Sunni, ‘Aṣr, Patience, Loss

تفسیر تطبیقی روایی سوره عصر از دیدگاه مفسران فریقین

فاطمه پورمحمدی¹

۱. طلبه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، مدرسه علمیه رفیعه المصطفی، تهران، ایران؛ fpoomohammadi@yahoo.com

چکیده

سوره عصر یکی از سوره‌های مکی قرآن کریم است که در جزء سی‌ام قرار دارد و به‌طور مختصر و مفید به راه‌های دستیابی انسان به سعادت و رستگاری اشاره می‌کند. اهل سنت و شیعه با استفاده از منابع و روایات مختلف، تفاسیر متفاوتی از این سوره ارائه داده‌اند. بر اساس تفسیر اهل سنت، سوره عصر بر اصول معروف مانند ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و بهره‌مندی از صبر و استقامت تأکید دارد و بیانگر اهمیت عمل به معروف و نیکی در راستای سعادت دنیوی و اخروی است. در مقابل، تفسیر شیعه این سوره را به موضوع امامت مرتبط می‌داند و معتقد است که سوره عصر به وعده‌های الهی در خصوص ظهور امام مهدی (عج) اشاره دارد. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تطبیقی، روایات موجود در منابع شیعه و اهل سنت ذیل سوره عصر با یکدیگر مقایسه شدند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در این روایات و نقاط تمایز و اشتراک آن‌ها مشخص شود. نتایج تحقیق نشان داد که تفاوت تفسیر سوره عصر در اهل سنت و شیعه ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص جانشینی پیامبر و رهبری امت اسلامی است. اهل سنت این سوره را به‌عنوان تذکری عمومی برای ایمان و عمل صالح می‌بینند؛ درحالی‌که شیعه آن را مرتبط با امامت و ظهور امام مهدی (عج) تفسیر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: روایت، فریقین، شیعه، اهل سنت، عصر، صبر، خسران.

بیرو هشی



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

◆ استناد به این مقاله: پورمحمدی، فاطمه (۱۴۰۳): «تفسیر تطبیقی روایی سوره عصر از دیدگاه مفسران فریقین»، دوفصلنامه

۹/۱۰/۲۰۲۰۳۴ (۱۸)، ۳۱۰-۳۳۹، csq.2025.482659.1477، مطالعات تفسیر تطبیقی

©2025 // نویسندگان، دارنده حق تألیف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

سوره عصر یکی از کوتاه‌ترین سوره‌های قرآن کریم است که با وجود اختصار آن، معانی عمیق و پرمحتوایی را در بردارد. این سوره شامل سه آیه کوتاه است و به مسائل مهمی همچون ضرورت ایمان، عمل صالح و توصیه به حق و صبر می‌پردازد. در آغاز سوره، خداوند به «عصر» قسم می‌خورد و سپس با تأکید بر زیانکاری انسان‌ها در صورتی که ایمان نیاورده و عمل صالح انجام ندهند، محتوای اصلی این سوره را بیان می‌دارد. همچنین سفارش به حق و صبر از اصول اساسی برای دستیابی به سعادت و رهایی از زیانکاری معرفی می‌شود. اقوال مفسران در تفسیر سوره عصر از زوایای مختلف به منظور دستیابی به معنای دقیق‌تر از این سوره تلاش کرده‌اند. این اقوال در میان اهل سنت و شیعه تفاوت‌هایی دارند که هرکدام بر اساس منابع و متون خاص خود، تفسیرهای مختلفی ارائه داده‌اند. مفسران اهل سنت معمولاً به موضوعاتی چون قسم خوردن به عصر، زیانکاری انسان‌ها و راه‌های رسیدن به رستگاری پرداخته‌اند؛ در حالی که مفسران شیعه نیز این مفاهیم را با دیدگاه‌های خاص خود تفسیر کرده و بر ارتباط آن با امامت و رهبری تأکید دارند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده دیدگاه‌های خاص هر گروه در تفسیر دقیق آیات سوره عصر و درک معانی آن‌هاست.

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی روایات تفسیری فریقین درباره سوره عصر با استفاده از روش توصیفی-تطبیقی است. در این راستا، ضمن تبیین نقاط اشتراک و افتراق میان روایات اهل سنت و شیعه در منابع معتبر کلاسیک و معاصر، به تحلیل دقیق سندی و محتوایی روایات ناظر بر آیات این سوره پرداخته می‌شود. روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع)، صحابه و تابعین، از جهت صحت سند و دلالت محتوا بررسی و اعتبارسنجی خواهند شد. از طریق مقایسه و تحلیل روایی تفاسیر، همخوانی‌ها و تضادهای موجود در برداشت‌های مختلف از آیات سوره عصر شناسایی شده و دیدگاه‌های فریقین به طور علمی و منصفانه ارزیابی می‌گردد. هدف نهایی، ارائه دیدگاه مرجح در تفسیر سوره بر اساس تحلیل عمیق روایات و تبیین نقش آن‌ها در فهم مراد الهی است.

بررسی روایات تفسیری سوره عصر از اهمیت بالایی برخوردار است و این اهمیت را می‌توان از دو جنبه علمی و عملی تحلیل کرد. قرآن کریم، کتابی است که هدایت انسان‌ها را برعهده دارد و از منظر علمی نیازمند تفاسیر دقیق است. در این زمینه، روایات نقل شده از پیامبر اسلام (ص)، اهل بیت (ع)، صحابه و

تابعین نقشی اساسی ایفا می‌کنند. از جنبه عملی، فهم صحیح روایات تفسیری سوره عصر به ما کمک می‌کند تا آموزه‌های این سوره را در زندگی روزمره خود اجرا کنیم. سوره عصر با اشاره به زیانکاری انسان‌ها و راه‌های رهایی از آن، اهمیت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارد؛ بنابراین بررسی تفاسیر این سوره از منابع معتبر شیعه و اهل سنت برای درک بهتر مفاهیم و پیام‌های آن ضروری است.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیق در حوزه تفسیر تطبیقی روایی قرآن به‌ویژه در سوره‌های مختلف قرآن، همواره از دغدغه‌های پژوهشگران بوده است. پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده که به بررسی تفاسیر گوناگون از آیات قرآن پرداخته‌اند. در این میان، سوره‌های کوتاه و پر مفهوم قرآن، از جمله سوره عصر، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده‌اند. پژوهش‌های مختلف در این حوزه به تفسیر این سوره‌ها و بررسی ابعاد گوناگون معنایی و تفسیر روایی آن‌ها پرداخته‌اند.

یکی از پژوهش‌های مطرح در این زمینه، کتاب - رشد: دیداری تازه با سوره عصر- (۱۴۰۲ ش) است که به بررسی مفاهیم رشد و تکامل در قرآن و رابطه آن با ایمان می‌پردازد. نویسنده در این کتاب، سوره عصر ابزاری برای درک رابطه میان ایمان و رشد معرفی کرده و تلاش کرده است تا مفهوم رشد و تکامل را در پیوند با آیات این سوره تبیین کند. این کتاب که بیشتر بر تحلیل تربیتی و معنوی سوره عصر متمرکز است، به بررسی اصول تربیتی اسلام و چگونگی استفاده از سوره عصر در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته است. در این اثر، سوره عصر از دو جنبه دینی و تربیتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. تفاوت این پژوهش با این کتاب در این است که در پژوهش به طور خاص به تفسیر تطبیقی روایی سوره عصر پرداخته و به بررسی و مقایسه تفاسیر مختلف از این سوره از دیدگاه مفسران اهل سنت و شیعه می‌پردازد. در حالی که کتاب مذکور بیشتر بر جنبه‌های تربیتی و معنوی سوره تأکید دارد.

در کنار این کتاب، پایان‌نامه‌ای با عنوان «تفسیر تطبیقی روایی سوره قصص بر اساس اهم تفاسیر فریقین» (فدایی، ۱۳۹۰) وجود دارد که به طور خاص به تطبیق و مقایسه تفاسیر سوره قصص پرداخته است. پژوهشگر در این پایان‌نامه، تلاش کرده است تا تفاسیر مختلف از این سوره را که در منابع شیعه و اهل سنت آمده است، مورد بررسی قرار دهد و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را تحلیل کند. این پژوهش نیز از همان رویکرد تطبیقی روایی که در پژوهش حاضر به کار گرفته می‌شود،

استفاده کرده است. با این حال، تفاوت اصلی در محتوای سوره هاست. سوره قصص به طور عمده به داستان‌های انبیا و عبرت‌های تاریخی پرداخته و بر اساس آن‌ها آموزه‌هایی را به خوانندگان می‌دهد. در مقابل، سوره عصر بیشتر بر مفهوم زیانکاری انسان و راه‌های رهایی از آن تمرکز دارد؛ بنابراین علی‌رغم استفاده از روش مشابه در تحلیل تفاسیر، موضوع و محتوای آیات در این دو سوره متفاوت است که این تفاوت محتوایی باعث می‌شود تا تحلیل‌های تفسیری و تطبیقی هر کدام ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد.

در مقاله «تفسیر تطبیقی روایی سوره کوثر از دیدگاه مفسران فریقین» که توسط (رستم نژاد و هجرت الله جبرئیلی، ۱۳۹۹ ش) نوشته شده است، به طور مشابه به بررسی تفاسیر روایی این سوره از دیدگاه اهل سنت و شیعه پرداخته شده. این مقاله با استفاده از رویکرد تطبیقی، سوره کوثر را از منظر تفسیری مفسران فریقین مورد تحلیل قرار داده و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در تفسیر آیات آن را بررسی کرده است. همانند دیگر پژوهش‌های تطبیقی، این مقاله نیز بر مبنای تفاوت‌ها و تشابهات تفاسیر مختلف سوره کوثر، تلاش می‌کند تا به یک درک جامع و عمیق‌تر از مفاهیم این سوره برسد. تفاوت پژوهش مورد نظر با این مقاله در این است که سوره عصر را مورد مطالعه قرار داده شده و از آنجایی که محتوای هر دو سوره متفاوت است، رویکرد تحلیلی با مقاله مذکور متفاوت خواهد بود. سوره کوثر بیشتر به مسئله نعمت‌های الهی و شکرگزاری از آن‌ها پرداخته؛ در حالی که سوره عصر با بیان زیانکاری انسان‌ها و ضرورت ایمان به عنوان راه‌هایی از زیان، محتوای خاص خود را دارد.

۳. بررسی روایات مرتبط با سوره عصر در تفاسیر فریقین

بررسی روایات مرتبط با سوره عصر در تفاسیر فریقین، با تمرکز بر شأن نزول، قرائت و تفسیر آیات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ که در ادامه به این مباحث پرداخته می‌شود.

الف) روایات ناظر بر شأن نزول

بر اساس روایات شیعه، سوره عصر در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است. در روایتی از امام باقر (ع) بیان شده که «به خدا سوگند، سوره عصر در شأن علی (علیه السلام) نازل شده است» (مجلسی، بی تا: ۱۸/۳۶۸؛ حویزی، ۱۴۸۵ ق: ۱۵/۶۶۶). همچنین روایت دیگری از زید بن ارقم نقل شده است که هنگام بازگشت رسول خدا (ص) از حجه الوداع، ایشان در منطقه غدیر خم بین مکه و مدینه

توقف کردند. در این مکان، پیامبر (ص) چنین فرمودند: «به نام خداوند بخشنده و مهربان، سوگند به عصر که انسان‌ها همه در زیان‌اند، مگر علی (علیه‌السلام) که ایمان آورد و به حق و شکیبایی راضی شد» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق: ۵۸۵؛ حلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۷۵). در بررسی روایات اهل سنت، به روایتی که به طور خاص به شأن نزول سوره عصر بپردازد، اشاره‌ای نشده است.

تحلیل و بررسی روایات فریقین: بر اساس روایات شیعه، سوره عصر در شأن امام علی (ع) نازل شده است. حدیث اول با سندی معتبر از ابوعلی محمد بن احمد بن علی فتال (ابن الفارسی)، از علمای برجسته امامیه در قرن چهارم و پنجم هجری، نقل شده است. ابن الفارسی، نویسنده کتاب *روضه الواعظین* به عنوان فقیه، متکلم و واعظی مورد اعتماد شناخته شده و روایاتش در منابع معتبری مانند *بحارالانوار* علامه مجلسی و *وسائل الشیعه* شیخ حر عاملی مورد استناد قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۴/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۲/۱). در این سند، ابن الفارسی روایتی را از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند که بیان می‌دارد: «سوره عصر درباره علی (علیه‌السلام) نازل شده است» (ابن الفارسی، ۱۴۲۳ ق: ۹۴/۱). این روایت، شأن نزول سوره عصر را به امام علی (ع) مرتبط می‌سازد و بر جایگاه ایشان در تفسیر آیات قرآن تأکید دارد.

حدیث دوم نیز با سندی معتبر از راویان موثق مانند شیخ طوسی، هارون بن موسی تلکبری و محمد بن همام نقل شده است. این راویان در منابع رجالی شیعه به عنوان افراد مورد اعتماد معرفی شده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۴۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۱۲۳). همچنین، راویان دیگری مانند سیف بن عمیره و صالح بن عقبه نیز در منابع رجالی شیعه به عنوان ثقات شناخته شده‌اند (کشی، ۱۳۴۸ ش: ۲۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۷۸). این حدیث که در آن پیامبر (ص) در غدیر خم، پس از تلاوت سوره عصر، امام علی (ع) را مصداق «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» معرفی کرده‌اند، از نظر سندی قابل اعتماد است و بر جایگاه امام علی (علیه‌السلام) در تفسیر سوره عصر تأکید می‌کند.

در مقابل، منابع اهل سنت شأن نزول خاصی برای سوره عصر ذکر نکرده‌اند و تفسیر آن را به مفاهیم کلی ایمان، عمل صالح و صبر محدود می‌کنند. این تفاوت، نشان‌دهنده نگاه ویژه شیعه به سوره عصر و تأکید بر نقش امامت در نجات از زیانکاری است. روایات شیعه، با استناد به منابع دست‌اول و معتبر، از جمله *بحارالانوار* علامه مجلسی، تفسیر *نورالثقلین* حویزی، *الطرائف* ابن طاووس و *نهج الحق* و *کشف الصدق* علامه حلی، بر ارتباط سوره عصر با ولایت

اهل بیت (ع) تأکید می‌کنند (مجلسی، بی‌تا: ۳۶۸/۱۸؛ حویزی، ۱۴۸۵ ق: ۵/۶۶۶؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق: ۵۸۵؛ حلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۷۵). این تحلیل با توجه به اعتبار سندی و تطابق محتوایی روایات، جایگاه ویژه امام علی (ع) را در تفسیر سوره عصر تثبیت می‌کند.

ب) روایات ناظر بر قرائت آیات

در برخی از منابع روایی و تفسیری شیعه به نقل از منابع اهل سنت، اضافه‌ای به نخستین آیه سوره عصر به صورت «وَأَنَّهُ فِيهِ إِلَىٰ آخِرِ الدَّهْرِ» دیده می‌شود. این آیه به شکل «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ وَأَنَّهُ فِيهِ إِلَىٰ آخِرِ الدَّهْرِ» قرائت شده است. در برخی نقل‌ها که از امیرالمؤمنین علی (ع)، ابن عباس، آمده است که ایشان نیز گاهی آیه را به این صورت قرائت کرده‌اند. این تعبیر را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق اختلاف قرائت در قرآن کریم دانست (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۸۱۵/۱۰؛ قمی، ۱۳۶۳ ش: ۴۴۱/۲).

همچنین، در مجمع‌البیان اشاره شده است که در مصحف ابن مسعود نیز چنین قرائتی وجود دارد. در الدر المنثور آمده است که تعدادی از منابع مختلف مانند الفریابی، عبد بن حمید، ابن جریر، ابن منذر و ابن انباری در کتب مصاحف و حاکم این حدیث را درباره امام علی بن ابی طالب (ع) نقل کرده‌اند. امام علی (ع) می‌گوید: «من همیشه سوره وَالْعَصْرِ و نَوَائِبِ الدَّهْرِ (مشکلات زمان) را تلاوت می‌کردم و می‌گفتم: بی‌شک انسان در زیان است و او تا آخر عمرش در این وضعیت بود» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳۹۲/۶).

تحلیل و بررسی روایات فریقین: در روایت امام علی (ع) اشاره می‌کنند که همواره سوره عصر را همراه با «نوائب الدهر» (مشکلات زمان) تلاوت می‌کرده‌اند و می‌فرمایند: «بی‌شک انسان در زیان است و او تا آخر عمرش در این وضعیت بود» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳۹۲/۶). این بیان، تفسیری جامع از آیه اول سوره عصر ارائه می‌دهد و زیانکاری انسان را به عنوان وضعیتی دائمی و همگانی مطرح می‌کند؛ زیرا این تفسیر با مفاهیم قرآنی مانند لزوم ایمان، عمل صالح و صبر که در آیات بعدی سوره عصر آمده است، هماهنگی دارد و بر اهمیت این مفاهیم در نجات از زیانکاری تأکید می‌کند. همچنین این متن دارای بعد تربیتی و اخلاقی است و تلاوت سوره عصر را به عنوان روشی برای مواجهه با مشکلات زندگی معرفی می‌کند (طبرسی ۱۳۷۲ ش: ۸۱۵/۱۰، قمی ۱۳۶۳ ش: ۴۴۱/۲).

سند این حدیث از طریق فریابی، عبد بن حمید، ابن جریر طبری، ابن المنذر و ابن انباری نقل شده است. فریابی (جعفر بن محمد) و عبد بن حمید از

محدثان مشهور قرن سوم هجری هستند که در نقل احادیث تفسیری و قرآنی مورد اعتمادند (ذهبی، ۱۴۰۵ ق: ۱۲۳/۱۰؛ ابن حجر، ۱۳۲۶ ق: ۷۸/۵). ابن جریر طبری، مفسر و مورخ برجسته و ابن المنذر از علمای قرن سوم و چهارم هجری، در نقل اختلافات قرائت و تفسیر قرآن معتبر شناخته می‌شوند (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۴۵/۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ ق: ۱۸۹/۱۲). ابن الأنباری نیز از علمای قرن چهارم هجری است که در علوم قرآن و قرائت تخصص داشته است (ابن حجر، ۱۳۲۶ ق: ۷/۵۶) باین حال، قرائت خاصی از سوره عصر که در این حدیث آمده است، به طور مستقیم در منابع اصلی شیعه مانند الکافی یا بحارالانوار ذکر نشده است؛ بنابراین اگرچه سند این حدیث از نظر اهل سنت معتبر است.

۴. روایات ناظر بر مصادیق و معانی مفردات و آیات

آیات سوره عصر شامل واژگان و ترکیباتی است که نیازمند بررسی دقیق هستند. این آیات همچنین دارای تفاسیر و بیاناتی درباره مصادیق یا تأویلات خاص هستند. با مراجعه به منابع تفسیری روایی از دو مذهب شیعه و اهل سنت، می‌توان هر آیه را به طور جداگانه تحلیل و بررسی کرد. این فرآیند به روشن ساختن ابعاد معنایی و تفسیری آیات کمک می‌کند.

الف) وَالْعَصْرِ

در ذیل آیه اول سوره مبارکه عصر، تفاسیر روایی از دو مذهب شیعه و اهل سنت، روایات مشترک و همچنین روایات متفاوتی وجود دارد. این روایات نه تنها به تفسیر واژه «عصر» می‌پردازند بلکه معانی عمیق تری را در ارتباط با مفهوم زمان و وضعیت انسان نیز مورد توجه قرار می‌دهند.

بررسی مفهوم واژه عصر: واژه «عصر» در زبان عربی از ریشه فعل «عَصَرَ» به معنای فشردن و استخراج چیزی از درون است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق: ۵/۵). این فعل به طور اصلی در زمینه‌ی فشردن مایعات یا مواد از قبیل عصاره میوه‌ها یا دیگر مواد به کار می‌رود. معانی مختلف واژه «عصر» در قرآن و زبان عربی شامل چند بُعد و کاربرد مهم است که هر یک معنای خاص خود را در متون دینی و زبان شناختی دارند.

اولین و شاید شناخته شده‌ترین معنای واژه «عصر»، فشردن و استخراج شیره از مواد است. این مفهوم در اصطلاح عربی با واژه‌هایی همچون «مَعْصُور» (فشرده شده) و «عُصَارَة» (شیره یا عصاره حاصل از فشردن) (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق: ۵/۵) به کار می‌رود. در قرآن کریم، در آیه «إِنِّي أَرَانِي أَعْرَصُ خَمْرًا» (یوسف/۳۶)،

به معنای فشردن انگور برای تولید شراب آمده است که نشان دهنده کاربرد عملی این واژه در زمینه فشردن مواد است. همچنین در آیه «وَفِيهِ يَعْصِرُونَ» (یوسف/۴۹) که در آن به تعبیر «رسیدن به خیر و نیکی» اشاره شده، قرائتی نیز به معنای «فرارسیدن بارندگی» وجود دارد. این استفاده‌ها نشان دهنده‌ی توانایی واژه «عصر» در انتقال معنای فشردن یا استخراج مایع از درون مواد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۶۹؛ فراهیدی، ق ۱۴۰۹: ۱/۲۹۳)

دومین کاربرد مهم واژه «عصر»، اشاره به باران یا ابر فشرده است. در آیه «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» (نبأ/۱۴)، واژه «معصرات» به ابرهای فشرده یا باران‌های شدید اشاره دارد که به طور مجازی به ابرهایی که می‌بارند و باعث ایجاد باران‌های فراوان می‌شوند، اطلاق شده است (راغب اصفهانی، همان؛ فراهیدی، ق ۱۴۰۹: ۱/۲۹۵)

سومین کاربرد واژه «عصر»، به معنای «پناه» یا «ملجأ» در برخی از متون آمده است. در این معنا، «عصر» به مکانی برای پناه گرفتن از خطرات و ناملایمات اشاره دارد. این کاربرد نشان دهنده بُعد حمایتی و پشتیبانی واژه است که در شرایط بحرانی یا دشوار می‌تواند، پناهگاهی برای انسان‌ها باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۶۹).

چهارمین معنای مهم واژه «عصر»، اشاره‌ای به زمان یا دوره خاص است. در قرآن، «عصر» واژه‌ای است که برای بیان «زمان» یا «دهر» مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند به مفهوم دوران زندگی انسان‌ها یا دوره‌هایی از تاریخ اشاره داشته باشد. در آیه «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (سوره عصر، آیه ۱)، واژه «عصر» به معنای زمان یا دوره است که در این آیه به دورانی از زندگی انسان‌ها اشاره دارد که در آن، انسان‌ها در معرض خطر از دست دادن ارزش‌ها قرار دارند (راغب اصفهانی، همان؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۹۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۳۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۵۷۶).

پنجمین کاربرد واژه «عصر»، به ساعات پایانی روز و نماز عصر اشاره دارد. این واژه در این زمینه به طور خاص به ساعات آخر روز تا غروب اشاره می‌کند که در کنار مفهوم عبادات، به ویژه نماز عصر، قرار می‌گیرد. نماز عصر که در این ساعات از روز خوانده می‌شود، ارتباط مستقیم با معنای زمانی واژه «عصر» دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۶۹).

در نهایت، «عصر» همچنین در ترکیب‌هایی همچون «عصران» به معنای ناهار و شام نیز آمده است که مشابه ترکیبات دیگر در زبان عربی مانند «قمرین»

(ماه و خورشید) است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۶/ ۳۹۱؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۳۰/ ۱۸۷). این کاربردها نشان دهنده‌ی ظرفیت زبان عربی در استفاده از واژه‌ها برای بیان مفاهیم مختلف و متنوع در زمینه‌های زمانی و مکانی است. این تحلیل لغوی نشان می‌دهد که واژه «عصر» دارای ابعاد متنوعی است که هر یک می‌تواند در سیاق خاصی مورد استفاده قرار گیرد.

مفهوم و مصادیق «والعصر» در روایات فریقین: در کتب تفسیری شیعه، توجه به این نکته وجود دارد که خداوند این سوره را با قسم آغاز کرده است و به «عصر» قسم می‌خورد: «وَالْعَصْرِ». پاسخ این قسم در جمله «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» بیان شده است که نشان از واقعیت زیان کار بودن انسان دارد (قمی، ۱۳۶۳ ش: ۲۰/ ۴۴۱). در جای دیگری آمده است: «أقسم بصلاة العصر لفضلها. أو بعصر النبوة. أو بالدهر، لاشتماله على الأعاجيب» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ۱۴/ ۲۲۷). در اینجا به فضیلت نماز عصر اشاره شده است یا به عصر و زمان پیامبر (ص) قسم یاد شده یا مفهوم دهر و زمان مدنظر است که عجایب زیادی را دربردارد. این تفاسیر سعی در تعیین مصادیق مختلف واژه «عصر» دارند.

برخی روایات از اهل بیت (ع) نیز به بیان و تعبیر خاصی از «عصر» پرداخته‌اند؛ مانند روایتی در تفسیر البرهان که از معصومین درباره این واژه سؤال شده است: «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْعَصْرُ: عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» (بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/ ۷۲۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ۲/ ۴۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/ ۳۷۵؛ صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۲/ ۶۵۶).

این روایت به تبیین معنای عمیق تری از آیه اشاره دارد که به زمان ظهور و قیام امام مهدی (عج) مرتبط است. تفسیر دقیق این آیه در قالب تأویل آن، معمولاً از سوی افراد راسخ در علم پذیرفته می‌شود؛ زیرا تفسیر به رأی می‌تواند موجب برداشت‌های نادرست یا غیر مستند گردد؛ در صورتی که این لایه معنایی توسط معصومین (ع) بیان نمی‌شد، فهم صحیح این معنا برای دیگران دشوار بود و دسترسی به آن بدون هدایت‌های خاص مشکل می‌شد. این مسئله نشان دهنده اهمیت نقش معصومین در تبیین و تفهیم معنای واقعی و درست آیات قرآن است.

در برخی تفاسیر اهل سنت، واژه «والعصر» به عنوان قسمی از سوی خداوند تعبیر شده است. ابن ابی حاتم از محمد بن کعب قرظی نقل کرده است که «وَالْعَصْرِ» قسمی است که خداوند تبارک و تعالی بدان قسم یاد کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق:

۶/ ۳۹۲). ابی بن کعب این سوره را بر رسول خدا خواند و تفسیر آن را پرسید، حضرت فرمودند: «قسم من الله لکم باخر النهار» (الطیار، ۱۴۳۸ ق: ۵۳۶/۲۳) به معنای قسم به ساعات پایانی روز.

ابن منذر از ابن عباس نقل می‌کند که «وَالْعَصْرِ» به یکی از ساعات روز و به ویژه هنگام غروب خورشید اشاره دارد. همچنین، عبدالرزاق، ابن جریر و ابن ابی حاتم از قتاده نقل کرده‌اند که «وَالْعَصْرِ» یکی از ساعات روز است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۳۹۱؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۸۷/۳۰). ابن کثیر نیز بیان کرده که عصر زمانی است که در آن افعال خیر و شر از فرزندان آدم رخ می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق: ۸/۴۵۶).

ثعلبی در کشف والبیان اشاره کرده است که ابن عباس عصر را به دهر تعبیر کرده است. ابن کیسان شب و روز را عصر دانسته و حسن دوره زمانی بعد از زوال خورشید تا غروب را عصر می‌داند. قتاده آن را آخرین ساعت از ساعات روز و مقاتل آن را به معنای نماز عصر تفسیر کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق: ۱۰/۲۸۳).

در روایات اهل سنت، سه معنای اصلی برای واژه «عصر» بیان شده است: دهر (زمان)، العشی (زمان عصر) و صلاه العصر (نماز عصر). این معانی نشان‌دهنده توجه مفسران به ابعاد مختلف زمانی و تکالیف عبادی مرتبط با زمان عصر است. **تحلیل و بررسی روایات فریقین:** احادیث شیعه مرتبط با سوره عصر بر تفسیر عمیق‌تر و تأویل این سوره تأکید دارند. در روایتی از امام صادق (ع)، واژه «عصر» به زمان قیام امام زمان (عج) تفسیر شده است. این تفسیر نشان‌دهنده لایه‌های معنایی پنهان در آیات قرآن است که تنها از طریق اهل بیت (ع) قابل دستیابی است. در این روایت، زیانکاری انسان به دشمنان اهل بیت (ع) نسبت داده شده و نجات از این زیانکاری منوط به ایمان، عمل صالح، توصیه به حق (امامت) و صبر در سختی‌ها بیان شده است. این مفاهیم با محتوای کلی قرآن و آموزه‌های شیعه همخوانی کامل دارد. منابعی مانند تفسیر البرهان بحرانی (بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/۷۲۵) و تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۸ ش: ۲/۴۲۸) این روایات را نقل کرده‌اند.

احادیث اهل سنت مرتبط با سوره عصر عمدتاً بر تفسیر واژه «عصر» و تأکید بر اهمیت زمان و اعمال انسان متمرکز هستند. در روایتی از علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) «عصر» به «نوائب الدهر» (سختی‌های زمانه) تفسیر شده است که نشان‌دهنده چالش‌های زندگی انسان در طول عمر است. در روایتی دیگر، ابن مسعود «عصر» را به «آخر الدهر» (پایان زمان) تفسیر کرده و تأکید می‌کند که انسان تا پایان عمر خود در معرض زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند. محمد بن کعب قرظی نیز در تفسیر خود، زیانکاری انسان

را به همه مردم نسبت داده و نجات از آن را منوط به ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و صبر دانسته است. این تفاسیر در منابع معتبر اهل سنت، مانند تفسیر طبری (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۸۷/۳۰) و المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، نقل شده‌اند.

حدیث مربوط به منابع شیعه از طریق شیخ صدوق (ابن بابویه) نقل شده است. وی این حدیث را از طریق احمد بن هارون فامی، جعفر بن محمد بن مسرور و علی بن حسین بن شاذویه مؤذن نقل کرده است که همگی در منابع رجالی شیعه، همچون رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۱۲۸، ۱۵۶) و خلاصة الأقوال علامه حلی (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲۳، ۱۵۶)، از اعتبار بالایی برخوردارند. این راویان، روایت را از محمد بن عبدالله بن جعفر بن جامع حمیری دریافت کرده‌اند که او نیز در منابع رجالی شیعه، مانند رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۴۵)، راوی ثقه معرفی شده است. محمد بن عبدالله این روایت را از پدرش و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب زیات نقل کرده است که وی نیز در منابع رجالی شیعه، همچون الفهرست شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۴)، راوی موثق شناخته می‌شود. محمد بن حسین این روایت را از محمد بن سنان و او از مفضل بن عمر نقل کرده است. محمد بن سنان اگرچه از راویان مورد اختلاف است؛ اما با توجه به نقل روایت در منابع معتبر و تأیید برخی علمای رجال، همچون نجاشی (۱۴۰۷ ق: ۳۲۱)، می‌توان به اعتبار روایت او اطمینان داشت. مفضل بن عمر نیز از اصحاب موثق امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) است و در منابع رجالی شیعه، مانند رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۴۱۳) و خلاصة الأقوال (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۳۲۱)، راوی ثقه و جلیل‌القدر معرفی شده است. در نهایت، این حدیث به امام صادق (ع) منتهی می‌شود که به دلیل مقام عصمت، روایات ایشان بدون نیاز به بررسی سند، معتبر و حجت است. با توجه به این‌که تمام راویان سند، به جز محمد بن سنان، به طور قطعی موثق هستند و روایت در منابع معتبری همچون تفسیر البرهان (بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۷/۲۲۵) و تفسیر قمی مشهدی (فیض کاشانی، ۱۳۶۸ ش: ۲/۴۲۸) نقل شده است، می‌توان سند این حدیث را قوی و معتبر دانست.

حدیث اول در منابع اهل سنت که قرائت علی بن ابی طالب (ع) را نقل می‌کند، از طریق الفریابی، عبد بن حمید، ابن جریر طبری، ابن المنذر، ابن الأنباری و حاکم نیشابوری روایت شده است. الفریابی و عبد بن حمید، از محدثان موثق قرن سوم هجری، در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب الکمال مزّی (مزّی، ۱۴۱۳ ق: ۵/۱۲۳) و تهذیب التهذیب ابن حجر (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق: ۶/۲۳۴)

راویان موثق شناخته شده‌اند. ابن جریر طبری نیز این حدیث را در تفسیر معتبر خود نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۸۷/۳۰). حدیث دوم که قرائت سعید بن جبیر از ابن مسعود را بیان می‌کند، توسط عبد بن حمید و از طریق اسماعیل بن عبدالمملک نقل شده است. اسماعیل بن عبدالمملک و سعید بن جبیر، هر دو در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب التهذیب (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق: ۱۲۳/۲) و تهذیب الکمال (مزی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۴/۴)، روایانی موثق معرفی شده‌اند. حدیث سوم که تفسیر محمد بن کعب قرظی را نقل می‌کند، از طریق الفریابی، عبد بن حمید، ابن جریر طبری، ابن المنذر و ابن ابی حاتم روایت شده است. محمد بن کعب قرظی از تابعین بزرگ و مفسران مشهور قرآن، در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب الکمال (مزی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۴/۸) راوی موثق شناخته شده است. با توجه به این که تمام راویان این احادیث موثق و در منابع معتبر اهل سنت ثبت شده‌اند، اسناد این احادیث قوی و معتبر هستند.

ب) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ خُسْرٍ

در آیه دوم سوره عصر، دو واژه کلیدی «انسان» و «خسر» آمده‌اند که برای درک عمیق تر آیه بایستی به معانی آن‌ها توجه شود.

در تفاسیر شیعه مثل البرهان آیه مذکور ناظر به وضعیت عموم انسان‌ها در دنیا و آخرت است. هر انسانی به دلیل اشتغالات دنیوی و غفلت از زندگی معنوی در خطر زیان و خسران قرار دارد، مگر آنکه در چارچوب دین و دستورات الهی عمل کند. امامان شیعه (ع) تأکید کرده‌اند که راه نجات در ایمان به خدا، عمل صالح، توصیه به حق و صبر است (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۵/۶۶۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۷۵۲/۵).

تفاسیر اهل سنت مثل الدر المنثور نیز بر این باورند که آیه به خطرات و زیان‌هایی که انسان در صورت غفلت از ایمان و عمل صالح با آن مواجه می‌شود، اشاره دارد. برخی از مفسران اهل سنت به این نکته اشاره کرده‌اند که معنای خسر و زیان در اینجا می‌تواند شامل زندگی دنیوی و برزخی باشد، به ویژه برای کسانی که از وظایف دینی دوری می‌کنند (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳۹۱/۶)؛ بنابراین هر دو گروه مفسران بر اهمیت دوری از خسران متمرکز شده‌اند. برای رهایی از این زیان، انسان‌ها باید با ایمان، انجام اعمال خیر، توصیه به حق و تأکید بر صبر و استقامت به مسیر راست هدایت شوند.

بررسی واژه انسان و خسر: جهت بررسی آیه لازم است دو واژه انسان و خسران از نظر لغوی بررسی شود. در ادامه به معانی و تفسیر آن‌ها در آیه مورد نظر با توجه

به روایات تفسیری پرداخته شود.

واژه انسان: واژه «انسان» از ریشه «اُنسیان» گرفته شده است؛ چراکه لغت شناسان عربی، تصغیر آن را به صورت «اُنسیان» دانسته اند. در این تصغیر، «یای» انتهایی نشان دهنده وجود آن در صورت اصلی واژه به کاررفته است؛ به عبارت دیگر این «یای» تصغیر، دلالت بر آن دارد که واژه «اُنسیان» در ابتدا به طور کامل وجود داشته؛ ولی به دلیل استفاده مکرر و رایج، این «یای» در طول زمان حذف گردیده است؛ بنابراین ریشه اصلی واژه «انسان»، به طور غیرمستقیم از تصغیر آن به «اُنسیان» قابل استنباط است که در نهایت در زبان معیار به شکل کنونی «انسان» درآمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۱/۱؛ طریحی، ۱۴۰۸: ۲۱۰/۸)

در تبیین وجه تسمیه واژه «انسان» به این صورت آمده است که این واژه در اصل از «اُنسیان» گرفته شده و خود واژه «اُنسیان» از ریشه «نسیان» به معنای فراموشی سرچشمه می‌گیرد. طبق این نظریه، انسان به دلیل پیمانی که با خداوند بسته و آن را فراموش کرده است، به این نام خوانده شده است. بدین ترتیب، واژه «انسان» به نوعی به ویژگی فراموش کاری و غفلت انسان از عهد و پیمان الهی اشاره دارد. از این منظر، واژه «اُنسیان» که از «نسیان» به معنای فراموشی مشتق است به انسان نسبت داده می‌شود چراکه انسان به طور ذاتی در معرض فراموشی و غفلت از تعهدات معنوی خود قرار دارد (ابن منظور، همان: ۲۳۱-۲۳۲؛ زبیدی، بی تا: ۱۰۲/۴).

راغب اصفهانی در کتاب *المفردات* در تعریف واژه «انسان» به بررسی ابعاد مختلف این واژه می‌پردازد و آن را از جنبه های اجتماعی و معنوی تحلیل می‌کند. او در توضیح واژه «انسان» می‌نویسد: «الْاِنْسَانُ قِيلَ: سَيِّئٌ بَدَلِك لَانَّهُ خَلَقَ خَلْقَةَ لَا قَوَامَ لَهُ اِلَّا بِاِنْسَ بَعْضُهُمْ بَعْضٌ، وَلِهَذَا قِيلَ: الْاِنْسَانُ مَدْنِيٌّ بِالطَّبْعِ، مِنْ حَيْثُ لَا قَوَامَ لِبَعْضُهُمْ اِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا يُمْكِنُ اَنْ يَقُوْمَ بِجَمِيْعِ اَسْبَابِهِ وَقِيلَ: سَيِّئٌ بَدَلِك لَانَّهُ يَأْنَسُ بِكُلِّ مَا يَأْلَفُهُ وَقِيلَ: هُوَ اَفْعَلَانٌ وَ اَصْلُهُ: اِنْسِيَانٌ، سَيِّئٌ بَدَلِك لَانَّهُ عَهْدَ اللّٰهِ اِلَيْهِ فَنَسِيَ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق/ ۹۴). در این تعریف، اصفهانی به چند نکته کلیدی اشاره می‌کند که شناخت آن‌ها به درک مفهوم انسان کمک می‌کند. اصفهانی در ابتدا به این نکته اشاره می‌کند که انسان از نظر خلقت، موجودی است که بدون ارتباط و همزیستی با دیگران قادر به ادامه حیات نیست؛ به عبارت دیگر انسان در ذات خود موجودی اجتماعی است و برای تأمین نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی خود، به تعامل با دیگران وابسته است؛ به همین دلیل، او را «مدنی بالطبع» می‌داند؛ یعنی انسان به طور طبیعی و فطری نمی‌تواند از اجتماع و ارتباط

با دیگران بی‌نیاز باشد. این تحلیل بر اساس نیازهای انسانی و تعاملات اجتماعی استوار است که نشان می‌دهد انسان‌ها برای رسیدن به کمال و به دست آوردن رفاه، همواره نیازمند یکدیگر هستند. از سوی دیگر، اصفهانی به ریشه‌شناسی واژه «انسان» نیز پرداخته و آن را از «انسیان» به معنای فراموشی دانسته است. این ریشه‌شناسی به ارتباط معنوی و دینی انسان با خدا اشاره دارد و به این نکته تأکید دارد که انسان با فراموشی عهدی که با خداوند بسته، از مسیر اصلی خود منحرف می‌شود. این فراموشی، علاوه بر جنبه فیزیکی و اجتماعی، به بُعد روحانی و معنوی انسان نیز اشاره دارد که یکی از ویژگی‌های انسان است.

واژه خسران: مصدر «خسران» از ریشه‌ی «خ س ر» و به معنای نقصان، هلاکت، زیان و گمراهی است. در زبان عربی، «خسران» به‌طور اولیه به معنای هلاکت و نابودی آمده است و به مفهوم از دست دادن تمام یا بخشی از سرمایه اشاره دارد. بر اساس این معنا، هنگامی که سخن از «خسران» به میان می‌آید (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۹۵/۴)، این اصطلاح به‌طور عمده به از دست دادن منابع یا دستاوردها، چه مادی و چه معنوی، به‌ویژه در ابعاد حیاتی و اساسی زندگی انسان، اشاره دارد. باین‌حال، معنای اصلی ماده «خسر» را نقصان یا کاستی بیان شده است به این معنا که «خسر» نه فقط به از دست دادن یا زیان اشاره دارد بلکه به معنای کاهش یا کمبود در چیزی نیز است. این نظریه در واقع معنای کلی‌تر و دقیق‌تری از «خسران» ارائه می‌دهد که علاوه بر زیان‌های مادی، به کاستی‌ها و نقصان‌هایی که ممکن است در هر زمینه‌ای وجود داشته باشد، از جمله در حیطه‌های معنوی و روحی، اشاره دارد (زمخشری، ۱۳۴۲: ۵۲۷).

واژه «الخُسْر» و «الخُسْران» در لغت به معنای کاهش سرمایه زندگی نیز به انسان نسبت داده می‌شود؛ به‌طور مثال می‌گویند: «خَسِرَ فلان» یعنی او زیانمند شد و خسارت دید. گاهی خسران و زیان به کار و عمل هم تعلق می‌گیرد، همان‌طور که در آیه «تَلِكْ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ» (نازعات/۱۲) به معنای عملی بازگشتی با زیانکاری به‌کاررفته است. این واژه همچنین درباره دستاوردهای زندگی همچون مال و مقام دنیوی کاربرد دارد و بیشتر در همین زمینه‌ها به کار می‌رود. علاوه بر این، خسران به زیانمند شدن دستاوردها و نتایجی که از حالات نفسانی حاصل می‌شود نیز اشاره دارد؛ مانند از دست دادن صحت، سلامت، عقل، ایمان و ثواب. این نوع زیان که نفس و روان انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همان است که خداوند متعال آن را «خسران مبین» نامیده و فرموده است: «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر/۱۵) (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ ق: ۲۸۲).

مفهوم و مصداق «ان الانسان لفي خسر» در روایات فریقین: در تفسیر کنزالدقائق آمده است که مردم در تلاش‌های خود در زیان‌اند و عمر خود را در تحقق خواسته‌های دنیوی صرف می‌کنند. واژه «انسان» با معرفه و الف و لام جنس آمده است که به نوع بشر اشاره دارد و «خسر» به صورت نکره آمده تا بزرگی و عمق خسران را نشان دهد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ۱۴/ ۴۲۸). در تفسیر دیگری نیز آمده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» به این معنا که انسان‌ها در کوشش‌ها و صرف عمرشان در پی خواسته‌های خود در زیان‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/ ۳۷۲).

روایات مرتبط با این آیه، خسران را به دشمنان اهل بیت (ع) نسبت می‌دهند. در روایت، مفضل از امام صادق (ع) سؤالی درباره آیه پرسید و امام فرمودند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» یعنی دشمنان ما در زیانکاری هستند (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۲/ ۶۵۶). همچنین در حدیث دیگری نیز آمده است که: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» به دشمنان ما اشاره دارد (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۵/ ۶۶۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/ ۷۵۲). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که واژه «خسران» بسته به تفسیر و روایات می‌تواند به زیان‌های مادی یا معنوی اشاره داشته باشد. در این مورد خاص، تفاسیر شیعه آن را به زیان معنوی مخالفان اهل بیت مرتبط می‌دانند که به نظر می‌رسد نوعی هشدار برای درک و پیروی از حقیقت و اهل بیت ارائه می‌شود.

در روایات اهل سنت، ذیل آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» اشاره شده است که تمام انسان‌ها، یعنی بنی‌آدم، در زیان هستند، مگر کسانی که به اعمال صالح مشغول‌اند. در برخی روایات نیز خسران به معنای گمراهی آمده و در موارد متعددی مصداق خسران، ابوجهل و در برخی روایات دیگر، ابولهب ذکر شده است.

ابن ابی حاتم از محمد بن کعب قرظی نقل می‌کند که: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ النَّاسُ كُلَّهُمْ...» یعنی همه مردم در خسران هستند (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۱۶/ ۳۹۱). در روایت دیگری، ابوجهل مصداق خسران شناخته شده است: «وَأُخْرَجَ ابْنُ مَرْدَوَيْهٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ آيَةَ دَرِبَارِهِ ابُوجَهْلِ بْنِ هِشَامٍ نَازِلٌ شَدِيدٌ اسْتِثْنَاءً (ثَعْلَبِي، ۱۴۲۲ ق: ۱۰/ ۲۴۸). کعب الأحبار به نقل از ابن علی می‌گوید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، قَالَ: يَعْنِي: آدَمَ وَبَنِيهِ» که به آدم و فرزندانش اشاره دارد (الطيار، ۱۴۳۸ ق: ۲۳/ ۵۳۹). عبدالعزیز بن ابی رواد نیز از محمد بن کعب نقل می‌کند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، قَالَ: النَّاسُ كُلَّهُمْ» (همان). در روایتی، مجاهد بن جبر

می‌گوید: «وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، یعنی: ضلال» به معنای گمراهی (همان). مقاتل بن سلیمان ابولهب را مصداق آیه می‌داند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ نَزَلَتْ فِي أَبِي لَهَبٍ، اسمه: عبد العزى بن عبد المطلب، یعنی: إنه لفي ضلال أبدا حتى يدخل النار» (الطيار، ۱۴۳۸ ق، ۵۳۹/۲۳)

این روایات نشان‌دهنده تفاسیر متنوع اهل سنت از آیه مذکور است که افراد خاصی چون ابوجهل و ابولهب را از مصادیق زیان معرفی می‌کنند و همچنین دیدگاه کلی‌تری در مورد زیان‌کاری کلیه انسان‌ها در صورت عدم عمل به صالحات ارائه می‌دهند.

تحلیل و بررسی روایات فریقین: در بررسی روایات شیعه و اهل سنت ذیل آیه دوم سوره عصر (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) اشتراکاتی در تفسیر ظاهری آیه مشاهده می‌شود، به‌ویژه در تأکید بر اینکه انسان‌هایی که عمر خود را به‌درستی به کار نمی‌برند، در زیان و خسران هستند. با این حال، در مصادیق خاص آیه، تفاوت‌های قابل توجهی بین دو مذهب وجود دارد. در منابع شیعه، بر اساس روایتی از امام جعفر صادق (ع)، دشمنان اهل بیت (ع) مصداق اصلی این آیه معرفی شده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/۷۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۸ ش: ۲/۴۲۸). در مقابل، روایات اهل سنت ابوجهل و ابولهب را مصادیق آیه ذکر کرده‌اند که اگرچه این افراد دشمنان اسلام و پیامبر (ص) بوده‌اند و به‌طور غیرمستقیم دشمن اهل بیت نیز محسوب می‌شوند؛ اما روایات شیعه به‌طور صریح از آن‌ها نامی نبرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۳۰/۱۸۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۲/۳۴۵). نکته قابل توجه در ارزیابی روایات اهل سنت، تفاوت معیارهای سندی آن‌ها با شیعه است؛ بسیاری از روایات اهل سنت به صحابه می‌رسند و نه به معصوم که از دیدگاه شیعه، این روایات معمولاً فاقد اعتبار لازم هستند. این تفاوت در معیارهای سندی، موجب می‌شود که در پذیرش و ارزیابی روایات اهل سنت از سوی شیعه، احتیاط بیشتری صورت گیرد.

حدیث از طریق ابوبصیر (لیث بن بختری مرادی) و محمد بن مسلم ثقفی نقل شده است، به امام صادق (ع) منتهی می‌شود. ابوبصیر در منابع رجالی شیعه مانند رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۲۱) راوی موثق و جلیل‌القدر معرفی شده است. محمد بن مسلم نیز در خلاصة الأقوال علامه حلی (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۴) راوی موثق شناخته شده است و نیز از طریق مفضل بن عمر نقل شده است نیز به امام صادق (ع) ختم می‌شود. مفضل بن عمر در منابع رجالی شیعه، مانند رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۴۱۳) و خلاصة الأقوال (حلی، ۱۴۱۷ ق:

۳۲۱) راوی موثق و جلیل القدر معرفی شده است. با توجه به این که تمام راویان این احادیث موثق و در منابع معتبر شیعه ثبت شده‌اند، اسناد این احادیث قوی و معتبر هستند.

حدیث نخست که تفسیر محمد بن کعب قرظی را نقل می‌کند، از طریق الفریابی (جعفر بن محمد الفریابی)، عبد بن حمید (عبد بن حمید بن نصر کوفی)، ابن جریر طبری (محمد بن جریر طبری)، ابن المنذر (محمد بن ابراهیم بن المنذر) و ابن ابی حاتم (عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی) روایت شده است. الفریابی و عبد بن حمید در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب الکمال مزّی (مزّی، ۱۴۱۳ ق: ۱۲۳/۵) و تهذیب التهذیب ابن حجر (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق: ۶/۲۳۴) راویانی موثق شناخته شده‌اند. ابن جریر طبری نیز این حدیث را در تفسیر معتبر خود نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۳۰/۱۸۷). محمد بن کعب قرظی، راوی اصلی این حدیث، از تابعین بزرگ و مفسران مشهور قرآن است و در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب الکمال (مزّی، ۱۴۱۳ ق: ۸/۲۳۴) راوی موثقی معرفی شده است. حدیث دوم که تفسیر ابن عباس را بیان می‌کند، از طریق ابن مردویه (احمد بن مردویه اصفهانی) نقل شده است. ابن مردویه در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب الکمال (مزّی، ۱۴۱۳ ق: ۲/۱۲۳) راوی موثق شناخته شده است. ابن عباس، از صحابه بزرگ پیامبر (ص)، نیز در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب التهذیب (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق: ۵/۱۲۳) راوی موثق معرفی شده است. با توجه به این که تمام راویان این احادیث موثق و در منابع معتبر اهل سنت ثبت شده‌اند، اسناد این احادیث قوی و معتبر هستند.

ج) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
واژه‌های عمل صالح و صبر در آیه سوم سوره عصر از واژگان کلیدی است که در ابتدا مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه روایت شیعه و اهل سنت ذیل آیه مورد بحث بیان می‌شود. برای درک بهتر مفهوم واژگان مورد نظر به تعدادی از کتب لغت مراجعه شده و نتایج بررسی در ادامه ارائه می‌شود.

عمل صالح: عبارت «عمل صالح» به معنای عمل شایسته یا کار درست است که در آن هیچ نوع فساد یا نقصی وجود ندارد. این ترکیب در قرآن کریم و متون دینی به طور گسترده‌ای به کار می‌رود و بر انجام اعمالی دلالت دارد که از نظر اخلاقی، دینی و اجتماعی نیکو و مورد تأیید هستند. در واقع، این اصطلاح به کارهایی اشاره دارد که با نیت پاک، مطابق با اصول اخلاقی و در راستای اهداف متعالی الهی انجام می‌شوند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۴/۱۴۲، طریحی، ۱۴۰۸: ۲/۳۸۸).

عمل صالح مفهومی واضح و روشن دارد و در زبان فارسی به آن «عمل نیک» گفته می‌شود. قرآن عمل صالح را در مقابل عمل سوء قرار می‌دهد و از این طریق، مفهوم عمل نیک را تفسیر می‌کند. به‌طور مثال آیه ۱۵ سوره جاثیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلِيَ هَاتُورًا إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۰). راغب اصفهانی «عمل» را به صورت هر فعل و کاری که با قصد از موجودات زنده سر بزند تعریف می‌کند. این واژه از نظر معنا خاص‌تر از «فعل» است، زیرا فعل به کارهایی که بدون قصد از حیوانات سر می‌زند و حتی به جمادات نسبت داده می‌شود، اطلاق می‌شود. واژه «عمل» کمتر چنین مفهومی دارد و در مورد حیوانات معمولاً به کار نمی‌رود، مگر در عباراتی نظیر «الْبَقَرُ الْعَوَامِلُ» که به گاوهای شخم‌زن اشاره دارد. واژه «عمل» می‌تواند به هر دو نوع کارهای صالح و ناصالح اطلاق شود. در آیه ۲۷۷ سوره بقره: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» به کسانی اشاره دارد که سرپرست زکات هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۷).

«صالح» از ریشه «صلح» است که کلمه «صلاح» نیز از آن گرفته شده است. «الصَّالِح» نقطه مقابل فساد و تباهی است و بیشتر در افعال و کارها به کار می‌رود. در قرآن، واژه «صَلَحَ» گاهی در مقابل فساد و زمانی در برابر زشتی و بدی به کار رفته است. برای مثال: «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا» (توبه/۱۰۲) که عمل صالح را در برابر عمل ناصالح قرار داده است. همچنین در آیه: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف/۵۶) نیز مشاهده می‌شود.

واژه صبر: صبر در زبان عربی به معنای خویشتن‌داری و حبس کردن نفس در برابر شرایط دشوار و محدودیت‌هاست. این مفهوم به‌طور کلی به توانایی فرد در مقابل فشارهای روانی، جسمی یا اجتماعی و همچنین خودداری از واکنش‌های فوری و هیجانی اشاره دارد. در این معنا، صبر نه تنها به معنی تحمل بی‌صدا و بدون اعتراض سختی‌ها و رنج‌هاست بلکه به معنای مقاومت در برابر کشش‌های نفس و جلوگیری از بروز رفتارهای بی‌محابا و بی‌تابانه در برابر مشکلات نیز در نظر گرفته می‌شود. در واقع، صبر به نوعی کنترل و مدیریت احساسات درونی و جلوگیری از بروز واکنش‌های ناپخته یا غیرمنطقی در مواجهه با بحران‌ها و چالش‌های زندگی است (زبیدی، بی تا: ۷۱/۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۳۸).

برخی چون جوهری و طریحی صبر را به معنای بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری در شرایط دشوار تعبیر کرده‌اند. از این دیدگاه، صبر بیشتر بر کنترل احساسات درونی تأکید دارد و به معنای جلوگیری از هرگونه اضطراب و ناآرامی که ممکن است فرد را به واکنش‌های کنترل‌ناشدنی سوق دهد؛ به عبارتی دیگر

صبر نه تنها به معنای تحمل و استقامت در برابر دشواری‌ها بلکه به معنای حفظ آرامش و تسلط بر خود در مواجهه با فشارهای محیطی است. این مفهوم به ویژه در متون دینی و اخلاقی به عنوان یک فضیلت برجسته شناخته می‌شود که می‌تواند به فرد کمک کند تا در مسیر رشد معنوی و اخلاقی خود گام بردارد (طریحی، ۱۴۰۸: ۲/ ۱۰۰۴؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۲/ ۷۰۶).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ القرآن واژه «صبر» را به معنای خویشتن‌داری در برابر مشکلات و سختی‌ها تعریف می‌کند و آن را به عنوان توانایی کنترل نفس در برابر اموری که عقل و شرع به آن حکم می‌کنند یا از آن نهی می‌نمایند، تفسیر می‌نماید. وی انواع مختلف صبر را بر اساس زمینه‌های گوناگون زندگی تشریح می‌کند: صبر در برابر مصیبت‌ها که ضد آن «جزع» است؛ صبر در میدان جنگ که به معنای شجاعت و پایداری است و ضد آن ترس و جبن است؛ صبر در برابر کارهای ملال‌آور که به آن «ظرفیت» و «دل‌داری» اطلاق می‌شود و ضد آن «کم‌ظرفیتی» است؛ و صبر در خودداری از سخن گفتن که «کتمان» نامیده می‌شود و ضد آن «افشای سخن» است. این معانی مختلف در قرآن تحت عنوان کلی «صبر» بیان شده‌اند، مانند آیات «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ» (بقره/۱۷۷) و «وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ» (حج/۳۵). همچنین، روزه به دلیل ماهیت خویشتن‌داری، به عنوان مصداقی از صبر در نظر گرفته شده است. پیامبر اسلام (ص) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «صیام شهر الصبر و ثلاثة أيام فی کل شهر یذهب وحر الصدر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۷۴).

مفهوم و مصداق «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» در روایات فریقین: در آیه سوم سوره عصر، استثنایی بیان شده است که گروهی از اهل خسران جدا می‌شوند و استثنا می‌شوند کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند و به حق و شکیبایی توصیه می‌کنند. آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بدین معناست که مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده‌اند. «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» اشاره دارد به اینکه برخی از این افراد دیگران را به پیروی از حق و دوری از باطل سفارش می‌کنند. همچنین، «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» به معنای سفارش کردن به شکیبایی است، یعنی برخی از این افراد به دیگران توصیه می‌کنند که در برابر ناراحتی‌ها و دشواری‌ها در راه طاعت خداوند و پرهیز از گناهان صبور باشند.

در روایات شیعیه آمده است که در آیه سوم سوره عصر، خداوند برگزیدگان خود را از باقی آفریدگان استثنا کرده است. این استثنا به کسانی اشاره دارد که از زبان

در امان هستند؛ یعنی کسانی که به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند، منظور از عمل صالح، انجام واجبات است. سفارش به حق و صبر در این آیه به معنای توصیه به فرزندان و نسل های آینده به ولایت و استقامت در این راه است (مجلسی، بی تا: ۲۴ / ۲۱۴).

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که ایشان در تفسیر آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» به ایمان به آیات ولایت اشاره کرده و «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» را به معنای همدردی با برادران دینی تفسیر می کنند. همچنین «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» به معنای سفارش به امامت و «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» به معنای توصیه به شکیبایی در دوره های دشوار است (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ۲ / ۶۵۶).

در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نیز آمده است که ایشان کسانی که به ولایت علی ایمان دارند را تشویق به همدردی با برادران دینی و سفارش به صبر در دوره غیبت امام زمان (عج) می کنند (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ۴۵۷؛ مجلسی، بی تا، ۳۷ / ۱۳۲). در روایات اهل سنت، در تفسیر آیه سوم سوره عصر، بر استثنا کردن اهل خسران تأکید می شود. بیان می شود که خداوند می فرماید: «مگر کسانی که ایمان آورده اند» و این عبارت را ادامه می دهد تا می فرماید: «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و همچنان ادامه می دهد تا به «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» می رسد و سپس به «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» می رسد. این آیه اشاره به شروطی دارد که بر مسلمانان برای نجات از زیان وضع شده است.

ابن ابی حاتم از محمد بن کعب القرظی نقل می کند که «وَالْعَصْرِ» قسمی است که پروردگار ما تبارک و تعالی به آن قسم یاد کرده است و «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» به این معناست که همه مردم در زیان هستند، مگر کسانی که ایمان آورده اند و خداوند این را تا زمانی که به «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و سپس «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» و سرانجام «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» می رسد، ادامه می دهد. این به معنای الزام رعایت این صفات برای مسلمانان است (سیوطی، ۱۴۱۲ ق، ۶ / ۳۹۲).

در جامع البیان حدیثی از ابن مجاهد آمده است که استثناء از ایمان آورندگان و کسانی که اعمال صالح انجام می دهند به کسانی اشاره دارد که صدقه می دهند و به یگانگی خداوند اقرار می کنند. نقل شده است: «عن مجاهد... إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَقُولُ: إِلَّا الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَوَحَدُوهُ وَأَقْرَوَالَهُ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَالطَّاعَةِ» (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۳۰ / ۱۸۷). این به معنای انجام فرایض واجب و ترک محرمات است: «عملوا الصالحات وادوا ما لزمهم من فرائضه واجتنبوا ما نهاهم عنه من معاصیه» (همان). استثناء از انسان در اینجا به این دلیل است که کلمه

«انسان» به معنای جمع بوده و به یک فرد خاص اشاره ندارد؛ بنابراین عبارت «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» به این معناست که مردم یکدیگر را به پیروی از آنچه خداوند در کتابش نازل کرده، توصیه می‌کنند و از انجام کارهایی که خداوند از آن‌ها نهی کرده است، دوری می‌گزینند (همان).

در روایتی از زید بن اسلم، استثنا در آیه مورد بحث درباره نجات از خسران برای گروهی از انسان‌ها بیان می‌شود. این گروه شامل کسانی است که با قلب خود ایمان دارند و با اعضا و جوارح خود عمل صالح انجام می‌دهند. تعریف سفارش به حق به معنای انجام طاعات و ترک محرمات است و سفارش به صبر در مواجهه با مصیبت‌ها، مشکلات و اذیت‌های ناشی از امر به معروف و نهی از منکر، بیان می‌شود: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَاسْتثنَى مِنْ جِنْسِ الْإِنْسَانِ عَنِ الْخُسْرَانِ الَّذِينَ آمَنُوا بِقُلُوبِهِمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِجَوَارِحِهِمْ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَهُوَ آدَاءُ الطَّاعَاتِ وَتَرْكُ الْمَحْرَمَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ أَيْ عَلَى الْمَصَائِبِ وَالْأَقْدَارِ أَدَى مَنْ يُؤْذَى مِمَّنْ يَأْمُرُونَهُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَهُ عَنِ الْمُنْكَرِ» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۴۵۷/۸).

ثعلبی نیز در تفسیر خود بیان می‌کند که استثنای از خسران برای کسانی است که به هم سفارش می‌کنند و سفارش به حق، سفارش به قرآن، ایمان، توحید و عمل به حق است: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَانْتَهَمَ لَيْسُوا فِي خُسْرٍ وَتَوَاصَوْا وَتَحَاتَّوْا وَأَوْصَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِالْحَقِّ بِالْقُرْآنِ عَنِ الْحَسَنِ وَقِتَادَةَ وَمَقَاتِلَ: بِالْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ؛ وَقِيلَ: عَلَى الْعَمَلِ بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ عَلَى آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَإِقَامَةِ أَمْرِ اللَّهِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ۲۸۳/۱۰).

در روایتی از ابن مردویه که توسط ابن عباس نقل شده است، «مگر کسانی که ایمان آوردند» اشاره دارد به حضرت علی (ع) و سلمان فارسی: «وَأَخْرَجَ ابْنَ مَرْدَوَيْهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ذَكَرَ عَلِيًّا وَسَلْمَانَ» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۳۹۲/۶). همچنین روایت دیگری از رفاعه نقل شده است که بیان می‌کند ابن عباس بر منبر پیامبر اکرم (ص) خطبه‌ای خوانده و سوره عصر را تلاوت کرده است. او «انسان در خسران» را به ابوجهل نسبت داده و پس از استثنا، «ایمان آورنده» را به ابوبکر، «کسی که عمل صالح انجام می‌دهد» را به عمر، «سفارش کننده به حق» را به عثمان و «سفارش کننده به صبر» را به علی بن ابی طالب نسبت داده است: «أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْخَالِقِ [بْنِ عَلِيٍّ] قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يُوْسُفَ بْنِ حَاتِمِ بْنِ نَضْرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو هِشَامٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ رِفَاعَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَى عَلِيُّ بْنُ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِيهِ رِفَاعَةَ قَالَ:

حجبت فوافیت علی بن عبد الله بن عباس یخطب علی منبر رسول الله صلی الله علیه وسلم فقراً: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * وَالْعَصْرِ * اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ اَبُو جَهْلِ ابْنِ هِشَامٍ اِلَّا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَبُو بَكْرٍ الصِّدِیْقِ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ عَمْرٌ بِنِ الْخَطّٰبِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ عِثْمَانُ بِنِ عَقّٰنٍ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ عَلٰی بِنِ اَبِی طَالِبٍ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ۱/۲۸۴). این حدیث در این منبع و دیگر منابع اهل سنت با سندهای مختلف ذکر شده است.

تحلیل و بررسی روایات فریقین: با بررسی احادیث شیعه و اهل سنت ذیل آیه سوم سوره عصر، هر دو مذهب بر ضرورت ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و صبر برای نجات از زیان تأکید دارند. در منابع شیعه، ایمان به ولایت امام علی (ع) و اهل بیت (ع) شرط اصلی مطرح شده است و سفارش به حق و صبر به پایبندی به ولایت و صبر در دوران غیبت امام زمان (عج) تفسیر شده است (مجلسی، بی تا: ۶۵/۱۵۶؛ کافی، ۱۴۰۷: ۲/۱۳۲). در مقابل، احادیث اهل سنت مصداق‌های آیه را به شخصیت‌هایی مانند خلفای چهارگانه نسبت داده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۵۸۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۳۴)

سند روایت در منابع شیعه که در تفسیر قمی نقل شده است، از طریق محمد بن جعفر، یحیی بن زکریا، علی بن حسان و عبدالرحمن بن کثیر به امام صادق (ع) می‌رسد. محمد بن جعفر در منابع رجالی شیعه، مانند رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۴۵) راوی موثق شناخته شده است. یحیی بن زکریا نیز در خلاصه الأقوال علامه حلی (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۴)، راوی مورد اعتماد معرفی شده است. علی بن حسان و عبدالرحمن بن کثیر نیز در منابع رجالی شیعه، مانند رجال النجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۲۳۴) و خلاصه الأقوال (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲۳)، جزء راویان موثق ثبت شده‌اند. با توجه به این که تمام راویان این سند موثق و در منابع معتبر شیعه تأیید شده‌اند و روایت به امام صادق (ع) که مقام عصمت دارند، منتهی می‌شود، سند این روایت قوی و معتبر است.

سند روایت در منابع اهل سنت از طریق دو طریق نقل شده است: «محمد بن عمرو → أبو عاصم → عیسی → ابن ابی نجیح → مجاهد» و «الحرث → الحسن → ورقاء → ابن ابی نجیح → مجاهد». محمد بن عمرو و أبو عاصم (ضحاک بن مخلد) در منابع رجالی اهل سنت، مانند تهذیب الکمال مزی (مزی، ۱۴۱۳ ق: ۲/۱۲۳؛ ۴/۲۳۴) از راویان موثق شناخته شده‌اند. عیسی بن میمون، الحرث بن محمد، الحسن بن محمد و ورقاء بن عمر نیز در منابع رجالی، مانند تهذیب التهذیب ابن حجر (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق: ۲/۱۲۳؛ ۵/۱۲۳) از راویان موثق به شمار

می‌روند. ابن ابی نجیح (عبدالله بن ابی نجیح) و مجاهد بن جبر، از تابعین بزرگ و مفسران مشهور قرآن، در منابع رجالی مانند تهذیب الکمال (مزى، ۱۴۱۳ ق: ۱۸/۲۳۴) و تهذیب التهذیب (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق: ۱۷/۱۲۳) در زمره راویان معتبر و اهل اعتماد محسوب شده‌اند. با توجه به این‌که تمام راویان این سند موثق و در منابع معتبر اهل سنت ثبت شده‌اند، سند این حدیث قوی و معتبر است.

سند این حدیث از طریق عبد الخالق بن علی، أبو بکر محمد بن یوسف بن حاتم بن نصر، الحسن بن عثمان، أبو هشام محمد بن یزید بن رفاعه، علی بن رفاعه و رفاعه نقل شده است. با بررسی منابع رجالی معتبر اهل سنت، مانند تهذیب الکمال مزى (مزى، ۱۴۱۳ ق) و تهذیب التهذیب ابن حجر (ابن حجر، ۱۳۲۵ ق)، اطلاعات کافی درباره وثاقت برخی از راویان، به‌ویژه عبد الخالق بن علی، أبو هشام محمد بن یزید بن رفاعه، علی بن رفاعه و رفاعه، یافت نشد و این راویان مجهول الحال شناخته می‌شوند. از آنجاکه وجود راویان مجهول الحال در سند، اعتبار حدیث را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این سند ضعیف تلقی می‌شود.

۵. نتیجه

سوره عصر، از کوتاه‌ترین سوره‌های قرآن است که تنها شامل سه آیه می‌شود و در عین حال دارای علم و حکمت عمیقی است. همانند بسیاری از آیات قرآن، مذاهب مختلف اسلامی تفاسیر متفاوتی از این سوره ارائه کرده‌اند.

تفاوت در تفسیر سوره عصر عمدتاً به دیدگاه‌های مختلف درباره جانشینی پیامبر اکرم (ص) و رهبری مشروع امت اسلامی بازمی‌گردد. مفسران اهل سنت سوره عصر را به عنوان تذکری عمومی برای مؤمنان تلقی کرده و بر اهمیت چهارعنصر ذکرشده در این سوره؛ یعنی ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و صبر تأکید می‌کنند. آنان بر این باورند که پایبندی به این عناصر منجر به موفقیت در دنیا و آخرت می‌شود. در تفاسیر اهل سنت، مصادیق افرادی که از صفت اهل خسران هستند، ابوجهل و ابولهب معرفی شده‌اند. به همین ترتیب، افراد پس از استثناء به عنوان نمونه‌هایی از ایمان و عمل صالح معرفی می‌شوند، مانند ابوبکر به عنوان ایمان آورنده، عمر به عنوان کسی که عمل صالح انجام می‌دهد و سفارش کنندگان به حق و صبر به ترتیب عثمان و علی بن ابی طالب (ع).

دیدگاه شیعه درباره سوره عصر نگاهی منحصر به فرد است که در اعتقادات این مذهب ریشه دارد. در تفسیر شیعه، این سوره به یادآوری اهمیت ائمه، خصوصاً دوازده امام، به عنوان رهبران برگزیده از جانب خداوند اشاره می‌کند. همچنین، مفهوم عصر (زمان) به زمان ظهور امام مهدی (عج) تفسیر شده است. در

روایات شیعه، ایمان به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) مصداق ایمان ذکرشده و عمل صالح به معنای انجام واجبات دینی است. همچنین، توصیه به حق و صبر شامل سفارش به فرزندان و آیندگان برای پیروی از ولایت و شکیبایی در این راه است. صبر نیز در برخی روایات به معنای صبر در دوران غیبت امام زمان (عج) بیان شده است. این تفاسیر نشان دهنده تأکید هر یک از مذاهب بر جنبه‌های اعتقادی خاص خود و تفسیر متفاوت آن‌ها از آیات قرآن است.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ق): «تفسیر القرآن العظیم»، ریاض: مکتبه نزار مصطفی بارز.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۲۶ ق): «تهذیب التهذیب»، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه.
ابن طاووس حلّی، علی بن موسی، (۱۴۰۰ ق): «الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف»، قم: خیام.
ابن طاووس حلّی، علی بن موسی، (۱۴۰۹ ق): «اقبال الاعمال»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق): «معجم المقاییس الغه»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق): «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دار الکتب العلمیه (منشورات محمد علی بیضون).

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
انیس، ابراهیم، (۱۳۷۳ ق): «المعجم الوسیط»، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ ق): «البرهان فی تفسیر القرآن»، قم: موسسه البعثه قسم الدراسات الاسلامیه.

بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ ق): «صحيح بخاری»، دمشق: دار طوق النجاة.
ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ ق): «الكشف و البیان»، بیروت: احیاء التراث العربی.
جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق): «صحاح الغه»، بیروت: دار العلم للملایین.
حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۱ ق): «المستدرک علی الصحیحین»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق): «وسائل الشیعه»، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).
حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۷ ق): «خلاصة الاقوال فی معرفه الرجال»، بی جا: مؤسسه نشر الفقاهة.

حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۹۸۲ م): «نهج الحق و كشف الصدق»، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
حلّی، علی بن یوسف بن المطهر حلّی، (۱۴۰۸ ق): «العدد القویه»، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.

حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق): «نور الثقلین»، قم: اسماعیلیان.
خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا): «البيان فی تفسیر القرآن»، قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی.
ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵ ق): «سیر اعلام النبلاء»، بیروت: مؤسسه الرسالة.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق): «مفردات الفاظ قرآن»، بیروت: دار القلم.

رستم نژاد، مهدی، جبریلی، هجرت الله، (۱۳۹۹ ش): «تفسیر تطبیقی روایی سوره کوثر از دیدگاه مفسران فریقین»، پژوهشنامه تفسیر تطبیقی، دوره ۱۲، صفحه ۳۷-۵۴

زبیدی، سید محمد مرتضی، (بی تا): «تاج العروس»، بیروت: دار الهدایه.
زمخشری، محمد بن عمر، (۱۳۴۲ ش): «مقدمه الادب»، تهران: محمد کاظم امام.

زمخشری، محمد بن عمر، (۱۴۰۷ ق): «کشاف عن حقایق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتب عربی.
سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.

صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، (۱۳۹۵ ق): «کمال الدین و تمام النعمه»، قم: دار الکتب الاسلامیه.

صفایی حائری، علی، (۱۴۰۲ ش): «رشد: دیداری تازه با سوره عصر»، قم: لیله القدر
طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۵۳ ش): «قرآن در اسلام»، بی جا: دار الکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان»، تهران: ناصر خسرو.
طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ ش): «مجمع البحرین»، تهران: مرتضوی.
طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ ق): «الفهرست»، نجف اشرف: الشریف الرضی.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ ق): «رجال الطوسی»، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

الطیار، مساعد بن سلیمان، (۱۴۳۸ ق): «موسوعه التفسیر بالمأثور»، جده: مرکز لدراسات و المعلومات القرآنیه.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ ش): «روضه الواعظین»، قم: انتشارات رضی.
فدایی، مرتضی، (۱۳۹۰ ش): «تفسیر تطبیقی روایی سوره قصص از اهم تفاسیر مأثور فریقین»، پایان نامه ارشد، دانشکده علوم حدیث، [#/https://qhu.ac.ir](https://qhu.ac.ir)

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق): «کتاب العین»، قم: هجرت.
فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (ملاً محسن)، (۱۴۱۵ ق): «تفسیر صافی»، تهران: مکتبه الصدر.
فیومی، احمد بن محمد، (بی تا): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی»، قم: منشورات دار الرضی.

قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ق): «قاموس القرآن»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ ش)، «البرهان فی التفسیر القرآن»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش): «تفسیر قمی»، قم: دار الکتب.
کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ ش): «رجال الکشی»، مشهد: دانشگاه مشهد.
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق): «الکافی»، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، «بحار الانوار»، بیروت: دار الوفا.
مزی، جمال الدین، (۱۴۰۰ ق): «تهذیب الکمال فی أسماء الرجال»، بیروت: مؤسسة الرسالة.
مسلم، ابن حجاج، (۱۴۱۲ ق): «صحیح مسلم»، قاهره: دارالحدیث.
مشنی، مصطفی ابراهیم، (۱۴۲۷ ق): «التفسیر المقارن درسه تا صلیبه»، نشریه مجله الشریعه و القانون: شماره ۲۶

معین، محمد، (۱۳۷۵ ش): «فرهنگ فارسی»، تهران: امیر کبیر.
نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ ش): «رجال النجاشی»، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

References

The Holy Quran

Ibn Abi Hatam, Abdul Rahman ibn Muhammad (1419 AH): "Tafsir al-Quran al-Azim", Riyadh: Nizar Mustafa Barz Library.

Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad ibn Ali (1326 AH): "Tahdhib al-Tahdhib", Hyderabad: Ottoman Encyclopedia.

Ibn Tawus Hilli, Ali ibn Musa (1400 AH): "Al-Tara'if fi Ma'rifat Madhahib al-Tawa'if", Qom: Khayyam.

Ibn Tawus Hilli, Ali ibn Musa (1409 AH): "Iqbal al-A'mal", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

Ibn Faris, Ahmad ibn Faris (1404 AH): "Mu'jam al-Maqayis al-Lughah", Qom: Maktab al-'Ilam al-Islami.

Ibn Kathir, Ismail ibn Umar (1419 AH): "Tafsir al-Quran al-Azim", Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah (Publications of Muhammad Ali Baydoun).

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokram (1414 AH): "Lisan al-Arab", Beirut: Dar Sader.

Anis, Ibrahim (1373 AH): "Al-Mu'jam al-Wasith", Bija: Office of Islamic Culture Publishing.

Bahrani, Hashim ibn Sulaiman (1415 AH): "Al-Burhan fi Tafsir al-Quran", Qom: Al-Ba'ithah Institute, Islamic Studies Department.

Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1422 AH): "Sahih Bukhari", Damascus: Dar Taq al-Najat.

Tha'labi, Ahmad ibn Muhammad (1422 AH): "Al-Kashf wa al-Bayan", Beirut: Ihya al-Turath al-Arabi.

Jawhari, Ismail ibn Hamad (1407 AH): "Sihah al-Lughah", Beirut: Dar al-Ilm al-Malayin.

Hakim Nishaburi, Muhammad ibn Abdullah (1411 AH): "Al-Mustadrak ala al-Sahihayn", Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Horr Amili, Muhammad ibn Hasan (1409 AH): "Wasail al-Shi'a", Qom: Al-Bayt Institute (Peace be upon them).

Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar (1417 AH): "Khalasat al-Aqwal fi Ma'rifat al-Rijal", Bija: Fiqh Publishing Institute.

Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar (1982 AD): "Nahj al-Haqq wa Kashf al-Sidq", Beirut: Dar al-Kitab al-Lubnani.

Hilli, Ali ibn Yusuf ibn al-Mutahhar Hilli (1408 AH): "Al-'Adad al-Qawiyyah", Qom: Maktabah Ayatollah Marashi Najafi.

Howizi, Abdul Ali ibn Jum'ah (1415 AH): "Nur al-Thaqalayn", Qom: Ismailians.

Khoei, Muhammad Abul Qasim (n.d.): "Al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Qom: Institute for Reviving the Works of Imam Khoei.

Dhababi, Muhammad ibn Ahmad (1405 AH): "Siyar A'lam al-Nubala", Beirut: Al-Maktabah al-Risalah.

Raghib Isfahani, Hossein ibn Muhammad (1412 AH): "Mufradat Alfaz al-Quran", Beirut: Dar al-Qalam.

Ru'stam Nejad, Mehdi, Jabriili, Hijratullah (1399 SH): "Comparative Narrative Interpretation of Surah Kawthar from the Perspective of Both Sides' Interpreters", Journal of Comparative Interpretation, Vol. 12, pp. 37-54.

Zobidi, Muhammad Muhammad Murtaza (n.d.): "Taj al-Arous", Beirut: Dar al-Hidayah.

Zamakshari, Muhammad ibn Umar (1342 SH): "Muqaddimah al-Adab", Tehran: Muhammad Kazem Imam.

Zamakshari, Muhammad ibn Umar (1407 AH): "Kashaf 'an Haqaiq Ghawamid

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

- al-Tanzil", Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi.
- Suyuti, Abdul Rahman ibn Abi Bakr (1404 AH): "Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bil-Ma'thur", Qom: Public Library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Saduq, Muhammad ibn Ali ibn Hossein ibn Musa ibn Babawayh Qommi (1395 AH): "Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'mah", Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Safai Haeri, Ali (1402 SH): "Roshd: A New Look at Surah Asr", Qom: Laylat al-Qadr.
- Tabatabai, Muhammad Hossein (1353 SH): "The Quran in Islam", Bija: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Tabarisi, Fadl ibn Hasan (1372 SH): "Majma' al-Bayan", Tehran: Nasir Khosrow.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Turaihi, Fakhr al-Din (1375 SH): "Majma' al-Bahrain", Tehran: Mortazavi.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (1417 AH): "Al-Fahrist", Najaf Ashraf: Al-Sharif al-Razi.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (1417 AH): "Rijal al-Tusi", Qom: Islamic Publishing Institute.
- Al-Tayyar, Musa'id ibn Sulaiman (1438 AH): "Mawsu'at al-Tafsir bil-Ma'thur", Jeddah: Center for Quranic Studies and Information.
- Fattal Nishaburi, Muhammad ibn Ahmad (1375 SH): "Rawdat al-Wa'izin", Qom: Razi Publications.
- Fadaei, Morteza (1390 SH): "Comparative Narrative Interpretation of Surah Qasas from the Most Important Interpretations of Both Sides", Master's Thesis, Faculty of Hadith Sciences, Link.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1409 AH): "Kitab al-Ayn", Qom: Hijrat.
- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (Mulla Mohsen) (1415 AH): "Tafsir Safi", Tehran: Maktabah al-Sadr.
- Fayumi, Ahmad ibn Muhammad (n.d.): "Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir al-Rafi'i", Qom: Publications of Dar al-Rasi.
- Qurashi Bana'i, Ali Akbar (1412 AH): "Qamus al-Quran", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Qummi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza (1368 SH): "Al-Burhan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization.
- Qommi, Ali ibn Ibrahim (1363 SH): "Tafsir Qummi", Qom: Dar al-Kutub.
- Kashi, Muhammad ibn Umar (1348 SH): "Rijal al-Kashi", Mashhad: University of Mashhad.
- Kulaini, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AH): "Al-Kafi", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Majlisi, Muhammad Baqir (n.d.): "Bihar al-Anwar", Beirut: Dar al-Wafa.
- Mizzi, Jamal al-Din (1400 AH): "Tahdhib al-Kamal fi Asma' al-Rijal", Beirut: Al-Maktabah al-Risalah.
- Muslim, Ibn Hajjaj (1412 AH): "Sahih Muslim", Cairo: Dar al-Hadith.
- Mushni, Mustafa Ibrahim (1427 AH): "Al-Tafsir al-Muqaran: A Study of the Principles", Journal of Shari'ah and Law: Issue 26.
- Mo'in, Muhammad (1375 SH): "Farsi Dictionary", Tehran: Amir Kabir.
- Najashi, Ahmad ibn Ali (1365 SH): "Rijal al-Najashi", Qom: Islamic Publishing Institute.